



ماشینه بوق زد و گفت:
«شیر داره درست می‌گه
بس که روم آب پاشیدین
زنگ زده تنم دیگه»

هر کاری راهی داره
آب‌ها رو حروم نکن
توی کوچه ماشینو
این جووری حموم نکن!»

شیره دستمالی بزرگ
بسته بود به گردنش
گفت: «بیا خیس کن اینو
بعد بکش روی تنش!»

